معلّمی و پیشواییِ نسل آینده

باسمه تعالی

1- هویت اصلی معلمی، پیشوایی است و نه رُباطی که محدود باشد به برنامه‌ای که اداره برای او تعیین کرده است.

آن برنامه و بخشنامه بهانه است تا معلمان در کنار دانش‌آموزان‌شان در جهان همدیگر حاضر شوند و از ظلمات بی‌ثمری در امان بمانند.

2- معلم با وجوه استعلایی و روحانی دانش‌آموزان رابطه پیدا می‌کند و بدین لحاظ در مسیر پیامبران قرار می‌گیرد زیرا پیامبران در والاترین حدّ با ابعاد روحانی و فطری انسان‌ها رابطه برقرار می‌کنند.

3- همان‌طور که انبیاء پیشوایان جامعه‌اند و نه مدیران جامعه، معلمان می‌توانند پیشوایان دانش‌آموزان خود باشند و از سلوک معلمی بهره‌مند گردند و از شغل خود راضی باشند.

4- معلم واقعی به خوبی متوجه می‌باشد که زندگی مطلوب و حیات معقول حیاتی است که نسبت به غفلتی که جهان امروز از ابعاد متعالی بشر دارد، حساس است. مشکل جهان امروز فاقدِ معنابودنِ انسان است و این یعنی سیطره پوچی، سیطره‌ای که از استبداد خطرناک‌تر است زیرا انسانِ بدون معنا، انسان نیست. بشر جدید تنها رابطه خود را با تکنولوژی برقرار کرده و دیگر معناها را از میان برده. در حالی‌که تکنولوژی هر اندازه هم مدرن باشد، جواب همه ابعاد وجودی ما را نخواهد داد. این معلمان هستند که دانش‌آموزان‌شان را متوجه افق‌های بلند انسانی می‌کنند.

5- خوب است در رابطه با وظایفی که در این تاریخ داریم به سخنان رهبر معظم انقلاب«حفظه‌الله‌تعالی» فکر کنیم که معتقدند معلمان توان ساختن نسلی را دارند که آن نسل دارای هویت ایرانی- اسلامیِ عمیقی است و در نتیجه نسلی است دانا و کارآمد و آشنا با سبک زندگی اسلامی و سنت‌های ایرانی. و فرمودند رسالت معلمان است که دانش‌آموزانی تربیت کنند دارای هویت ملی که از عمق جان با افتخارات کشور آشنا باشند و متوجه عظمت شخصیت امام بزرگوار که تاریخ جدیدی را در مقابل ما گشود، باشند. نسلی که معنای مقاومت در مقابل استکبار زورگو را بفهمند و با اعتماد به نفسِ کامل در صدد ساختن تمدن نوین اسلامی آینده باشند.

معلمین واقعی رسالت امانتداریِ این نسل را به‌خوبی احساس می‌کنند و از این جهت منتظر نمی‌مانند، بلکه با ابتکارات شخصی خود هر کاری که در این راستا می‌توانند انجام دهند، انجام می‌دهند و کوتاهی نمی‌کنند. (گزیده‌ای از سخنان رهبر معظم انقلاب در 21/2/1401)

با توجه به نکات فوق خوب است:

6- ابتدا به خود آییم که حقیقتاً معلّم‌شدنِ ما به عنوان شخصیتی که بنا دارد با دانش‌آموزان خود متفکرانه روبه‌رو شود، یک عطای الهی و یک رویداد است و خداوند چنین شوقی را در ما ایجاد کرد تا مأوای ما در این جهان در چنین حضوری باشد و البته باید آن را پاس داشت و تلاش کنیم این حضور همواره برای ما به عنوان مأوایی که عطای الهی است پایدار بماند و همان‌طور که هرکسی نمی‌تواند حافظ شیرازی شود، هرکس هم نمی‌تواند معلّم شود، معلّم‌شدن یک عطای الهی است.

7- معلّمی، حضور در جهانی است که جهان انسان‌ها است و این بهترین حضور است زیرا در آن صورت انسان در بهترین جهان حاضر می‌شود، به‌خصوص که در این تاریخ جهان بشر جدید فوق‌العاده گسترده شده. بشر امروز دیگر یک بِرکه نیست، یک اقیانوس است.

8- انسان‌ها «بودن»‌های متفاوتی را برای خود رقم می‌زنند که بعضی از آن بودن‌ها توهمی است ولی بودنی که معلّمان برای خود رقم می‌زنند، اصیل‌ترین بودن است زیرا انسان‌ها با جهانی ارتباط دارند که بیکرانه و ابدی است و معلّم می‌تواند در راستای بزرگ‌ترین انتخاب که انتخاب حضور در ابدیت است به دانش‌آموز کمک کند.

9- معلّمی، نوعی هویت‌بخشی به نسلی است که گرفتار جهانِ سکولار شده است و این امر، بی‌معنا شدنِ انسان‌های جامعه را تهدید می‌کند و از این جهت معلّمان بار مسئولیت نجات نسل امروز را به عهده دارند و این نوع زندگی برای معلّمان در جای خود نوعی رضایت درونی را به همراه دارد زیرا توانسته‌اند به دانش‌آموزان هویت ببخشند تا معلوم شود چه می‌توانند باشند.

10- با توجه به آنچه عرض شد حضرت امام خمینی«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» می‌فرمایند:

الف- «آنقدر که این شغل شریف است، مسئولیت آن هم بزرگ است. شغل شما شغل انسان سازی است. معلم، انسان درست می‌کند، همان شغل انبیا است. انبیا آمدند، از اول هر نبی‌ای آمده است تا آخر، فقط شغلش این بوده که انسان درست بکند، تربیت کند انسانها را. شغل معلمی همان شغل انبیا است.»

ب- «معلم، امانتداری است که غیر همه امانت‌ها، انسان امانت او است، امانت‌های دیگر را اگر کسی خیانت به آن بکند خلاف کرده است... باید ضرر او را جبران کند، اما امانت اگر انسان شد، اگر یک طفل قابل تربیت شد، اگر خدای نخواسته، این امانت به آن خیانت شد، یک وقت می بینی خیانت به یک ملّت است خیانت به یک جامعه است، خیانت به اسلام است. معلم، امانت‌دار نسلی است که تمام مقدّرات یک کشور، به آن نسل سپرده می‌شود و تربیت شما باید همراه با تعلیم باشد.»

ج- مقام معظم رهبری«حفظه‌الله» در ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۷۸ در دیدار با معلّمان، در رابطه با جایگاه معلّم گفته‌اند: «معلّم است که می‌تواند ما را شجاع یا جَبان، بخشنده یا بخیل، فداکار یا خودپرست، طالب علم و فهم و فرهنگ، یا منجمد، بسته و پایبند به تفکّرات جامد بار بیاورد. معلّم است که می‌تواند ما را متدیّن، با تقوا، پاکدامن، یا خدای ناکرده بی‌بندوبار بار بیاورد.»

11- بصیرت معلّم در آن است که متوجه باشد «اکنونِ» اصیلِ جامعه او، چه «اکنونی» است تا در راستای حضور در تاریخی که با انقلاب اسلامی گشوده شده، حاضر شود که تاریخ نفی استکبار و تحقق نظام توحیدی است و شور ایمانی که شما در حاج قاسم سلیمانی‌ها ملاحظه کردید به جهت توجه به اکنون تاریخی بود که در آن قرار داشت.

این نوع حضور، حضور ذیل اراده الهی است که عالی‌ترین نحوه احساس در این تاریخ است.

والسلام